

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دانیل گروس
برگردان: احمد سیف
۰۲ اکتوبر ۲۰۲۳

تنگنای واقعی اقتصاد چین



اگر پس‌انداز در چین در سطح فعلی ادامه یابد، حدود ۴۰٪ تولید ناخالص داخلی، ولی میزان سرمایه‌گذاری به ۳۰٪ کاهش یابد، ضروری است که برای حفظ تعادل در اقتصاد چین، یک مازاد تجاری معادل ۱۰٪ تولید ناخالص داخلی حفظ شود. این میزان حدوداً ۲ تریلیون دلار است و آن قدر هست که روی توازن پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد جهان اثر بگذارد.

کاهش ادامه‌دار میزان رشد اقتصادی در چین به تبیین‌های گوناگونی منتهی شده است. ولی پیش‌نگری‌ها در یک نکته مشترک‌اند درحالی که آمارهای کوتاه‌مدت متغیر اند – میزان رشد سالانه با میراث سیاست کووید صفر مخدوش شده است و اغلب ناظران هم معتقد اند که کاهش ادامه‌دار رشد اقتصادی در چین تداوم خواهد یافت. صندوق بین‌المللی پول، برای نمونه، معتقد است که میزان رشد سالانه برای ۲۰۲۴ به ۴.۵٪ و تا پایان این دهه به ۳٪ می‌رسد که اگرچه از میزان رشد دیگر اقتصادهای پیشرفته بیشتر است ولی درمقایسه با یک دهه قبل و رشد دورقمی افت چشمگیری است. ولی رشد تنها بخشی از این روایت است.

البته تمرکز بیش از حد روی مقوله رشد قابل‌درک است. برای چندین دهه سهم چین در رشد اقتصاد جهانی قابل‌توجه بوده است. به‌علاوه اندازه اقتصاد چین- یک عامل تعیین‌کننده توان چین برای گسترش امکانات نظامی- توازن قوای چین با رقیب اصلی‌اش، ایالات متحده، را تعیین خواهد کرد. وقتی رشد تنها کانال و حتی احتمالاً عمده‌ترین کانالی نیست

که از آن طریق اقتصاد چین بر بقیه دنیا اثر می‌گذارد. توازن بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری هم مهم و احتمالاً حتی مهم‌تر است.

یکی از مشخصه‌های عمده اقتصاد چین این است که میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در آن بسیار بالاست، یعنی از ۴۰٪ تولید ناخالص داخلی هم بیشتر است. این میزان در واقع دو برابر میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا و در ایالات متحده امریکاست و حتی از میزانش در کشورهای آسیای جنوب شرقی که این نرخ‌ها در آن‌ها بالاست، برای نمونه در جاپان و کوریای جنوبی، هم بیشتر است.

سرمایه‌گذاری به‌ویژه در زیرساخت‌های با کیفیت بالا یکی از مقدمات اساسی رشد سریع اقتصادی در چین بوده است. چین بزرگترین شبکه قطار سریع‌السر را در کمترین مدت ایجاد کرد. امروزه حتی شهرهای متوسط چین هم قطار زیرزمینی دارند. مقایسه فرودگاه‌های کهن‌سال امریکا و اروپا با فرودگاه‌های به‌روز و متعدد و نوساز چین برآستی سرشکستگی دارد.

ولی همان‌طور که کنث روگاف استاد دانشگاه هاروارد متذکر شد بازده این نوع سرمایه‌گذاری‌ها کاهنده است. بهترین شاهد این قضیه هم وضعیت ناهنجار بخش ساختمان در چین است. در یک دهه گذشته آن‌قدر خانه در چین ساخته شد که میزان متوسط ۴۰ مترمربع فضا به ازای هر نفر - یعنی آن‌چه در آلمان و جاپان داریم - به دست آمده است. به سخن دیگر، چین همانند یک اقتصاد پیشرفته تقاضا برای مسکن را حتی قبل از این که سطح درآمدهای فردی به آن میزان برسد، برآورده است.

این امر بشدت امکان سرمایه‌گذاری برای افزودن بر درآمدها را محدود می‌کند. در این وضعیت خانه‌سازی بیشتر در واقع موجب ظهور شهرهای خالی از سکنه، ولی نوساز بیشتری می‌شود. و نظر به این‌که این موجودی خانه‌ها و زیرساخت‌ها به‌طور کلی زندگی طولانی‌مدت‌تری دارند این وضعیت در آینده نزدیک تغییر نخواهد کرد. تردیدی نیست که دولت چین احتمالاً راهی پیدا می‌کند که به حمایت خود از بخش ساختمان ادامه بدهد از جمله یافتن پروژه‌های زیرساختی که حداقل به‌ظاهر ارزشمند باشند - به‌عنوان نمونه گسترش زیرساخت‌ها در مناطق فقیر و روستایی ولی با این همه انتظار این است که میزان سرمایه‌گذاری روند کاهنده خواهد داشت.

جاپان چند سال پیش با مشکل مشابهی روبه‌رو شد. وقتی در اواخر دهه ۱۹۸۰ حباب قیمتی در بخش مسکن ترکیب دولت کوشید با انتقال منابع قابل‌توجه به بخش زیرساخت از رکودی خیلی جدی جلوگیری کند. وقتی بخش عمده‌ای از جاده‌های تازه به مقصدی ختم نشدند و در نتیجه پس از چند سال و هزینه‌های بسیار زیاد دولت این برنامه را متوقف کرد.

در چین عکس‌العمل به سرمایه‌گذاری کمتر ممکن است ساده باشد. چینی‌ها می‌توانند مصرف‌شان را بیشترکنند ولی فراموش نکنید که نرخ پس‌انداز در چین به شکل فوق‌العاده‌ای زیاد است و با وجود کوشش مقامات دولتی در دهه گذشته برای تشویق مصرف در داخل به‌عنوان قوه محرک رشد اقتصادی، در همان سطح حیرت‌آور باقی مانده است. در نتیجه افزایش قابل‌توجه در مصرف در آینده نزدیک بسیار بعید است.

ورای مصرف، چین می‌تواند پس‌اندازها را به سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر - انرژی خورشیدی و یا بادی هدایت کند. ولی تا به همین جا، چین بیشتر از امریکا و اروپا در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند. سرمایه‌گذاری سالیانه چین ۳۰۰ میلیارد دلار است. در نتیجه توانایی بخش انرژی چین برای جذب مقدار بیشتری از پس‌انداز چین محدود است.

در کنار سرمایه‌گذاری کاهنده پس‌انداز فوق‌العاده در چین می‌تواند از طریق مازاد تجاری چین برای بقیه دنیا مشکل‌زا باشد. این مازادها در چین در مقایسه با دیگر کشورهایی که مازاد پس‌انداز دارند – مثل المان و جاپان – به خاطر اندازه مازاد و اندازه اقتصاد، حتی بیشتر است. اگر پس‌انداز در سطح بسیار بالای کنونی باقی بماند، یعنی ۴۰٪ از تولید ناخالص داخلی ولی سرمایه‌گذاری به ۳۰٪ تولید ناخالص داخلی کاهش یابد – که البته هنوز سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی است ولی برای این که تعادل اقتصادی حفظ شود، چین یک مازاد تجاری معادل ۱۰٪ تولید ناخالص داخلی خواهد داشت. حالا که قرار است بزودی تولید ناخالص داخلی چین به حد ۲۰ تریلیون دلار برسد، این یعنی میزان مازاد هم ۲ تریلیون دلار خواهد بود. این مقدار مازاد چندین برابر مازادی است که در گذشته جاپان و المان داشته‌اند و به اندازه‌ای بزرگ است که توازن و تعادل پس‌انداز/سرمایه‌گذاری را در دنیا بهم بزند.

یکی از پی‌آمدهای جانبی مازاد پس‌انداز چین که اتفاقاً بی‌ضرر است اعمال فشار منفی بر روی نرخ بهره است ولی خطر بزرگتری که وجود دارد این است که مازاد روزافزون حساب‌های جاری چین بر تمایلی که به حمایت از صنایع داخلی در مقابل رقابت چینی‌ها شکل گرفته می‌افزاید.

البته که ممکن است این‌گونه نشود. چون با سرمایه‌گذاری چینی‌ها در صنایع باتری‌سازی، پانل‌های خورشیدی و ماشین‌های برقی، صادرکنندگان چینی به‌یقین دست‌بالا را در صنایع شدیداً سرمایه‌طلب صنایع به‌اصطلاح سبز به‌دست آورده‌اند. اروپا و امریکا به واردات ارزان آن‌چه برای صنایع به‌اصطلاح سبز لازم است برای کاستن از هزینه‌های سیاست‌های بهداشت محیط زیستی خود خوش‌آمد خواهند گفت. ولی در شرایط ژئوپلیتیک تقابل‌طلبانه‌ای که وجود دارد بعید است این‌گونه بشود. به این ترتیب، ما می‌توانیم شاهد سیاست‌های حمایتی بیشتری باشیم که اگرچه باعث می‌شود هزینه‌ها افزایش یابند ولی برای کاستن از میزان پس‌انداز در چین اثری نخواهند داشت.

اصلی منبع: <https://www.project-syndicate.org/commentary/china-slowing-growth-excess-savings-declining-investment-by-daniel-gros-2023-09>

منبع: نقد اقتصاد سیاسی